بتاریخ ٤ شنبه ۹ شوال المکرم سنه ۱۳۲۸

نشریه

۱۳۲۸

روزنامه ایست اخلاقی و ادبی و مسلك مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزه کان و تصفیهٔ اخلاق زنان وغیره وغیره است .

محل اداره

طهران خیابان علاء الدوله نمره ۲٤

صاحبهٔ امتیاز و مدیره

خانم دکتر کحال

سر دبیر ع. صفوت

مقالاتیکه با مسلك جریده موافقت دارد

پذیرفته خواهد شد

مکاتیب وارده بصاحبانشان مسترد نمی شود

اعلانات سطری یك قران

قیمت اشتراك

	یکساله	شش ماهه	سه ماهه
طهران	۱۲ قران	۷ قران	٤ قران
ولایات داخله	۱۵ قران	۹ قران	۵ قران
ممالك خارجه	۷ فرانك	٤ فرانك	

یك نمره طهران ٤ شاهی

سایر ولایات ۵ شاهی

عجالتاً هفته یك نمره طبع

و نشر خواهد شد

پس از ارسال سه نمره ابونمان دریافت میشود

اخطار به مدیره های مدارس . . .

خدمت مدیره های مدارس و سایر خانمهای محترمات عرض میشود که آنچه لازم همراهی در ترویج روزنامه ماست بفرمایند تا این که بخوبی از عهده این خدمت برآیم

اعلان

محکمه کمالی این خادمه مات در خیابان جلیل آباد بود حالیه کافی السابق همه روزه قبل از ظهر سوای جمعه در جزو اداره جریدهٔ دانش از برای پذیرائی مرضای چشم حاضرم

خانم دکتر کمال

مغازهٔ هلندی

دکان مهران خیابان لاله زار

گربرو بنه وطورپهای اعلای الوان وسایر لوازم زنانه از مرقیل ولوازم مردانه و بچه گانه یافت میشود

وماهوتهای ممتاز وپارچه های اعلی برای لباس زنانه خوبش یافت میشود .

مغازه نوظهور

طهران خیابان لاله زار

کارخانه خیاطی زنانه از هر قبیل لباس به مد تازه دوخته میشود

مسیو جس دوس

دواخانه مرکزی

مسیو شورن مسیو بوناطی

دواساز مخصوص اعلا حضرت همایونی

طهران

در خیابان ناصریه

اداره مخصوص بجهت تجزیه هر نوع از اشیاء و فروش عمده هر قسم از دواجات و ابهای معدنی و لوازمات عکاسی و اسباب جراحی و عطریات و سایر دواهای مخصوص

(دایه از مادر مهربان تر نمیشود)

یکی از وظایف واجبهٔ ما این است که بخواهرن محترمه عرض کنم

از وجود دایها و دادن شیر بیگانه بفرزند یگانهٔ خود در غیر هنگام ضرورت احتراز کنید که نتیجه آن جز خسارت جان ومال و پشیمانی بالمآل چیزی نخواهد بود زنهار جگر گوشهای عزیز را غذای مناسب و ذخیرهٔ شیرینی که خلاق طبیعت قبل از ورود دراین عالم برای ان مسافر بی زاد ورك و ریشه پستان محبت مادران تهیه و تدارك فرموده مأیوس و محروم ننمائید

حقوق طبیعیهٔ طفل زبان بسته را از وی دریغ مدارید . با کمی علم و قصدی نمائید که قدرت و نیروئش در دست شماست و از خدا که و مخاصمه با شما عاجز . . .

کودکان خود را رعایت کنید که خدا میفرماید (المال و البنون زینة الحیوة الدنیا) یعنی مال و فرزند زیور زندگانی هستند رسول اکرم فرموده است « اولادنا اکبادنا » یعنی فرزندان ما جگرهای ما هستند دیگری گوید « اولادنا ثمار قلوبنا و عماد ظهورنا » یعنی فرزندان ما میوه های دل و پشتیبان وجودما هستند (بیت)

کانما اولادنا بیننا اکبادنا تمشی علی الارض

یعنی هر وقت فرزندان خود را مینگریم تصور میکنیم که جگرهای ما در روی زمین راه میروند

اگر قدری تعمق در این افکار بفرمائید و در معنی وحقیقت فرزند دقت بکار برید خواهید دانست که اولاد شما زیور زندگانی . قوت روح . میوه دل پاره جگر . روشنی چشم . قوت پشت . عصای

پیزی . آئینه وجود . نماینده شرف . حافظ نام حاکی ذات ، مایهٔ امید ، تاریخ حیات ، دفتر اخلاق نمایندهٔ سعادت شما میباشند . بشرطی که در تربیت او سعادت انها سعی کنید زیرا اگر در این باب کوتاهی شود و اخلاق و تربیت انها رو بفساد نهد نتیجه برعکس خواهد شد .

اول چیزی که مداخله در صحت مزاج و سلامت اخلاق طفل دارد شیری است که نشو و نمای اعضا و تربیت وتحسین قوای بدنیه و عقلیه اورا متعهد است هیچ غذائی از برای طفل مناسب تر او سازگارتر از شیر مادر نیست که خداوند تبارک و تعالی یعنی ان ذات رحیم و خداوند کریمی که خودتان می گوئید (ازمادر غمخوار بشما مهربان تر است) آن شیر را برای طفل آماده فرموده و مخزنش را در بغل و ریشهٔ خودتان قرار داده . . .

چگونه رو امیدارید که این نعمت خدا دادرا بهوای نفس وبوالهوسی از جگرپارهٔ بیگناه خود ممنوع داشته و بجای ان شیر پستان بیگانه را که ابداً از اخلاق و سیرت و صلاحیت طبع و صحت مزاجش مطلع نیستید در کاوی ان طفل زبان بسته فرو ریخته و خون اورا با خون مردم اجانب مخلوط کنید ؟!!

زن را که اگر دست هرکاسه وبمقتضای غذای شما فرو برد ازان غذا طبعا متنفر شده وقلبا متغیر میشوید ، چگونه راضی میشوید که پستانش را در دهن مبوه دل و پارهٔ جگر شما نهاده شیر زهر آلود خودرا در رگ و ریشهٔ او تزریق کند ؟!!

ایخواهران عزیز واجب است بشما عرض کنم که شیر در همه چیز انسان یا حیوان مدخلیت دارد (انچه با شیر اندرون شد با جان بدر نمیشود) شیر ناپاک طبیعت طفل را ناپاک میکند شیر پاک مزاج و اخلاق او را بصحت و سلامت پرورش میدهد شیر زن بد خو بچه را بد خو میکند شیر مریض همان مرض را در رگ و ریشه او جا میدهد زنهای دنی طبع طفل شما را پست فطرت و فرومایه میکنند شیر زنهای بی پرده و متهور کودکان شما را متهور ولاابالی مینماید

اورده اند که (بهرام گور) را پدرش «یزدگرد» شاهنشاه ایران از کودکی به « نعمان بن امرء القیس» شهریار عرب سپرد که در کشور خود برسم عرب تربیت کند چون دایهٔ آن شاهزاده از خواتین عرب بود با اینکه سپارش کرده بودند دایه را در زمان رضاع از خوردن غذاهائی که مناسب حال ومزاج خانواده کی سلاطین ایران نیست باز دارند و طبیبان حاذق مواظب حفظ الصحة اوبودند مع ذلك بهرام شاه از اثر شیر خاتون عرب تا آخر عمر شیر شتر میخورد و سوار شتر میشد وآخرالامر در بالای شتر بمغاکی فرو رفته و بهلاکت رسید . . .

نگارنده ـ دختری را دیدم که چشمش لوچ « احول » بود . مادرش میگفت که در آغاز ولادت این عیب را نداشت . چون دایهٔ اش لوچ بود چشم

دلال مزاوجت

(از زبان انگلیسی ترجمه شده)

چون در فرانکستان معمول است که در هر شهر ادارهٔ دائر است برای دلالی و بهم رساندن زن و شوهر باینمعنی که هرکس میخواهد زن بگیرد و یا مزدی ندارد میرود بان اداره خود را معرفی مینماید و ان قسم زنی که میخواهد انجا نشانی میدهد و حرفهای او نامزه در دفتر ثبت میشود . و کذالك زنی که میخواهد شوهر برود انجا میرود مدیر فرمایشات اورا ثبت میکند و از روزی که اختراع عکس شده برای اینکار خیلی سهولیت پیدا کرده عکس ان زن و

و آن مرد را در دفتر پهلوی اسمش ضبط میکنند و پس از انکه زنی را مطابق سلیقه مردی یا مردی را موافق میل زنی یافت اینهارا بهم معرفی مینماید و اینها دست یك دیگررا گرفته ازان اداره بیرون میروند تا تقدیر چه باشد اگر قسمت یك دیگر هستند موفقت طبیعی راهم بعد از چند روز معاشرت حاصل میشود و الا از یك دیگر جدا شده هر دو باداره دلالی نکاح اطلاع میدهند تا از برای هر یك زوج دیگر تهیه نماید

یك روز صبح زود بر در اداره دلالی ازدواج دق الباب شد پسری ازاجزای اداره در را کشوده عجوزه بد پرسید که . خانم چه فرمایش دارید — عجوزه

دختر من تغییر یافت و بچشم دایه کشید...

ایضا - یکی از خوانین نجیب . تا زمان پیری در بستر خواب بول میکرد. واین عارضه را چندان که اطباء بمعالجه پرداختند سودمند نشد . زیرا که دایه اش باین درد مبتلا بوده و از ان زن باین خانم ارث رسیده بود . . .

بلی (باشیر اندرون شد و باجان بدر شود !..)

شیر زن بیگانه طفل یگانه‌را بیگانه میکند !

هم‌چنانکه شیر مادر طفل‌را محبوب و گرامی مینماید . هرچه اورا بیشتر در دامن زن بیگانه پرورش داده و بشیر بیگانه نشو ونما دهند از محبت وعلاقه که مادر وفرزند بیکدیگر دارند بیشتر کاهیده وبهمان اندازه با فامیل دایه وبرادران رضاعی مهر و محبت پیدا میکنند .

پس زنان وخانم‌هائی که طفل خودرا از دامن محبت دور کرده ودرتحت نظر محبت واحتیاج ولی‌النعم اجنبی وا میگذارند نه‌تنها آن زبان بسته را از صحت اخلاق ومزاج محروم داشته . بلکه ازمحبت و تعصب خانوادگی هم مهجور فرموده اند . چنانکه مکرر دیده‌ایم طفلی‌را که بدایه میسپارند مانند اطفالی که بغیر مادر پرورده شده است درنزد پدر ومادر عزیز وگرامی نیست واگر احساسات قلبیهٔ مادران مساعدت فرماید انصاف خواهند داد که‌این طفل باعلی درجه مظلوم واقع شده است . . . . . از خانمهای بزرگوار که دایهٔ برای پرورش بازهای جگر میگیرند . سئوال میکنم . که‌بچه اعتماد طفل خودرا بکسی میسپارند وبخون کسی کوشت بدن اورا میرویانید که از صحت اخلاق ومزاج وطبیعت او آگاهی ندارید ؟ و دفتر اعمال وعقاید اورا نخوانده اید . تاریخ حسب ونسبش را نمیدانید . شاید بستگی وعلاقه مادری او برای طفل شما فردا وسیلهٔ عار وننگ و ملامت ابدی باشد .

ازین گذشته معروف است که « مادر را دل سوزد دایه‌را دامن ! » دایه نافرزند خودرا سیر نکند بطفل شما ترحم نخواهد کرد . اگر شیر پستانش کفایت نماید طفل شمارا بغذا های نامناسب سیر می کند . ودر موقع بیقراری اورا بمکیفات و مخدرات می خواباند .

(یکی از اطبای بزرگ که‌نامش دردفتر فلاسفه عظام ثبت است طفل خودرا بدایه سپرد دایه‌را نیز طفلی بود بغایت حریص وقوی البنیه این طفل وقتی پستان مادر میرسید قسمت شریك را منظور نمی داشت ودایه‌هم ازرعایت‌او صرف‌نظرنکرده مهمان‌رضیع را بغذا ساکت مینمود . و آن طفل همیشه مریض بود پدرش چند روز یکمرتبه شیر دایه‌را تجزیه میکرد و چیزی که باعث تولید مرض باشد درآن مشاهده نمیشد (بقیه دارد)

— بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم —

بقیه حفظ‌الصحه اطفال در شماره (۲) و صفحه (۳) نوشته شده بود که اگر بچها بیش از سه سال دارند پرتقال و کلابی رسیده و سایر میوه جات

کفت رئیس تشریف دارند ؟ جوان کفت بلی در بالا خانه نشسته اند فرمائید بالا عجوزه باجوان رفت تا اطاق رئیس نزدیك شده دید بالای سر در اطاق نوشته است اسم رئیس (مستر وات کین) وقتیکه اسم رئیس را دانست و دیگر بان جواب احتیاجی نداشت اورا جواب کرده تابخود بتنهائی با رئیس ملاقات نماید انوقت چنانچه معمول اروپ است در را اهسته زده (در اروپ معمول است وقتیکه میخواهند داخل اطاق شوند برای اذن دخول با انگشت اهسته در را میزنند اگر صاحب منزل کفت داخل شوید میشوند و اگر نمیتواند کسی را بپذیرد عذر میخواهد یا مهلت برای چند دقیقه میطلبد هیچکس سر زده داخل اطاق کسی نمیشود حتی از کسان خودش)

اجازه ورود بگوشش رسید . داخل شد . دید یك خانم خوشکل بسیار قشنگی باکمال دلبری وطنازی پشت میز تحریر مشغول نوشتن است عجوزه از دیدن چنین ماه‌سیما درعجب‌شده پرسید خانم مستر وات کین رئیس تشریف دارند یاخیر ؟ خانم مقبول جوابا داد بلی تشریف دارند بایشان بگویم کیست که شما را میخواهد به بیند — عجوزه کفت ازاین مطلب عذر میخواهم چونکه نمی‌خواهم اسم خودرا بکسی بگویم مگر بخود رئیس خواهم کفت — خانم قشنگ کفت

بدهند لیکن میوه را پوست کنده و هسته کرفته که مبادا پوست یا هسته انهارا بخورد ولی مقصود از هسته میوه نه فقط هسته های درشت میوه بوده‌است در طبع روزنامه اشتباه کرده بودند بلکه مقصود دیکراست زیرا که تمفك هم هسته دارد مقصود آنستکه همه قسم میوه بی پوست و بی هسته با کمی شکر پخته باشد که از مرتبا دقیق تر و کم شیرینی‌تر باشد و سرد بدهند بخورد این قسم مطبوخ بسیار مفید بحال اطفال‌است

پیوست مزاج

بیشترین علت پیوست مزاج طفل از غذای بی موقع دادن‌است اما ازروی تعقل وملاحظه دروقت معین و غذای مناسب دادن رفع همه اشکالات را خواهد کرد اکر بچهارا از کوچکی آموخته کنند که بوقت معین غذا بخورند و همیشه تمیز و شسته باشند آن عرق و لعابیکه ازمسامات پوست بدن دفع میشود رفع و زایل شده باعث سهولت اخراج عرق از بدن خواهد شد چونکه اکر پوست بدن را در شست‌وشو دهند ان مسامات بدن کرفته خواهد شد و اسباب سد جریان عرق شده مورث کسالت و ناخوشی خواهد شد

غذای مناسب برای یابس المزاج آب کوشت و غذای جربی داراست و غذای بی جربی هیچوقت نباید داد خصوصاً شیردهنده باید غذای جرب وملین بخورد که شیرش دارای جربی باشد

ناخوشی اسهال

این ناخوشی کمتر از پیوست مزاج درمیان‌اطفال اتفاق می افتد معهذا باید یکدستور العمل جزئی داشته باشیم که اکر جلوکیری نتمائیم زود بچه را اسهال خواهد کرد بلکه اسباب تلف او خواهد شد خصوصاً بچه شیرخوار اکر این دستورالعمل مختصر که مینویسیم فایده نکرد فوراً بطبیب رجوع نمائید درباره بچه شیرخوار بقدر یك قاشق جای خوری روغن کرجك باید داد و درباره بچهٔ که از شیر کرفته باشند باندازه سه قاشق جای خوری روغن مزبور را بدهند هرکاه رفع علت نشود بطبیب نشان دهند بعضی بچها که عادی بایمرض میباشند بایست در زمستان و تابستان باید کربند یا شال پهن از پشم نرم زیر پیراهن برروی شکم و کمر به پیچند و همیشه باید پای هارا کرم و خشك نکاه دارند با جوراب و در وقت راه رفتن با برهنه نباشند و هیچ وقت در مکان مرطوب ننشیند و روی سنك هائی که سایه میباشند ننشینند چونکه سنك‌هائی که در سایه هستند دارای رطوبت میباشند و از کشمش خام یا پخته پرهیز نمایند میوه یا سبزیجات خام بسیار مضراست

غذای مناسب در این ناخوشی شیر نرم بمقدار کمی سریشم یا ماهی داخل آن کرده باشند خوبست

بسیار خوب قدری اینجا تشریف داشته باشید تامن خبر بیاورم خانم‌ماه‌منتظر ماند سروصدوبر ازجای بر خواست از دریکه در کوشه اطاق بود و بالای ان کوشه بود (اطاق‌خلوت) داخل شده رئیس کفت خانمی است میخواهد شمارا ملاقات نماید رئیس کفت بکوئید بیاید خانم ماه رو مراجعت نموده بعجوزه کفت تشریف ببرید در این اطاق عجوزه وارد اطاق شده مرد کاملی را دید که سرش طاس است و یك‌موندارد و دریشت میز ریاست جلوس نموده‌است تاچشمش بعجوزه افتاد احتراماً بر خواسته سلام کرد کفت سرکار خانم امید وارم از عهده خدمات مرجوعه برایم عجوزه پس ازجواب‌سلام کفت‌خیرمن‌بایدمخصوصاً مستر وات کین رئیس را به بینم و مطلب خود را بان بکویم رئیس باکمال معقولیت و کرمی کفت من خودم هستم ودراصفای فرمایشات حاضرم و استدعا دارم که اول خودتان‌را معرفی بفرمائید تامعرفت حاصل نموده بعد از آن رجوع خدمت بفرمائید

— عجوزه‌این قسم ملاطفت که از رئیس دیده امید وار کردیده قلبش از اضطراب در آمد چون این زن چنان مراوده نکرده و از خانه کم بیرون میامد

— عجوزه کفت سرکار منزل مرا خوب میدانید چونکه من در منزل پیر هستم که پانزده پرستاراویم

شیر برنج با قدری دارچین کوبیده‌هم بسیار مفیداست و اگر با این تدابیر رفع نشد هیچ غذا نباید داد مگر شیره گوشت خام بدستورالعمل طبیب

طریقه شیر دادن اطفال

بچهارا باید عادت داد که شیر را بقاعده و بوقت بخورند و هیچ وقت با عجله و سرعت و لاجرعه شیر ندهند برای اینکه شیر بزودی تخثیل نمیرود و باعث ترش شدن در معده خواهد شد و اوقات از درد شکم گریه و زاری خواهند کرد پس باید شیر را باتانی و آهسته آهسته بتدریج بمکد .

و مزه از برای بچهای کوچك و تازه از شیر گرفته خوب نیست چونکه شیرینی قند اسباب خرابی دندان و معده طفل خواهد شد ولی عسل صاف کرده بی موم خیلی خوب است و فایده کلی دارد

(بقیه دارد)

بقیه نور آفتاب

از شماره (۱) و صفحه (۷) در زمستان لازم است که درهای اطاق مسکونی را هر روز یکمرتبه باز نمایند تا هوای تازه و آفتاب در اطاق بتابد مخصوصاً اطاق شخص مریض را بگذارند آفتاب بتابد ولی نه اینکه روی صورت مریض را آفتاب بگیرد و تجربه رسیده است که اشخاصیکه مبتلا بمرض مفاصل و ماتیزم بوده‌اند در ابتدای مرض در پرتو نور آفتاب گردش و حرکت نموده به

قسمیکه موضوع درد را برهنه کرده در زیر آفتاب در حرکت بوده رفع مرض شده‌است

و از جمله فوائد دیگر آفتاب انستکه برای محافظت بارجه و رخوت از بید و موریانه بایست که بارجه در موقعیکه احتیاج زدن بید میرود در آفتاب یك روز پهن کنند که اگر بارجه دارای تخم بید یا خود بید باشد از تابش آفتاب هلاك خواهد شد

و دیگر اینکه رخوت سفید را هیچ قسم صابون و شستن مثل آفتاب سفید نخواهد کرد ولی انهم بدانیم که زیاد رفتن و کارکردن خصوص در تابستان ضرر بسیار دارد چنانکه می بینید خشت مالها بیشتر خشت هائیکه میزنند در تابستان خوب خشك و منجمد میشود پس اثر آفتاب را از این جا قیاس نمائید

و دیگر در بعضی بلاد توب ظهر را قسمی تعبیه کرده‌اند که در موقع نصف‌النهار بواسطه رسیدن شمس بوسط‌السماء از اثر حرارت آفتاب خالی میشود .

پس در صورتیکه حرارت آفتاب بدین درجه باشد لابد مغز سرها بجوش آورده شخص را دیوانه خواهد کرد باید باندازه از آفتاب فایده برد که حیات ما بسته بنور آفتاب است واگر این آفتاب نبود هیچ زندگی خوب نداشتیم و شب و روز هم نداشتیم تمام وقت و ساعات ما بواسطه آفتاب معین میشود

و او باجنابعالی دوستی کامل دارد (مستر استیون جاوس) و اسم این کمپنه (مس ربکا پرین کل) است رئیس از استماع این سخنان دسترا بصورت خود کشیده و پس از قدری تامل گفت :

بلی حالا شناختم که از چه طایفه هستید وخیلی از ملاقات شما خورسند شدم زیراکه پسرعموی شما آدم بسیار اصیل نجیبی است - عجوزه گفت بلی جناب رئیس صحیح است ولیکن چه فایده که گاهی از مثل این مردمان عاقل خبطی صادر می شود که اسباب صدمه خودشان بلکه یك طایفه می شوند این مستراستیون جاوس پسرعموی من است و

از روزی که شوهر من مرده پانزده سال است بخدمتکذاری او مشغولم و در خانهٔ او همه‌قسم زحمت کشیده و اورا بر تمام اقوام ترجیح داده‌ام و ترك همه چیز و همه کس را نموده باو چسبیده‌ام و چون اورا خیلی دوست می دارم افسوس می‌خورم از اینکه او در اشتباهی باشد و بر ذمهٔ خودم فرض میدانم که اورا از این اشتباه آگاه نمایم و جلوگیری کنم - رئیس سری تکان داده گفت ملتفت نشدم مقصود سرکار چیست ؟ عجوزه گفت این پسر عموی من خبر دارم مدتی است از جناب عالی خواهش نموده تا برایش زنی پیدا کنید

بقیه خطاب بدوشیزه‌گان

از شماره (۱) اگر قائل بتقدیرات الهی هستیم هر چه که پیش آمد ما میشود باید داخل برضای الهی باشیم راست‌است که پارهٔ از زنها بسبب بخت و کم طالع اخلاق می افتد و بواسطه سوءبخت متصل متوهم و غمگین میشوند خدای نخواسته این خیال برای ما پیدا میشود باید تفکر وغصه‌خوری را کنار گذاشته در رفع دل تنگی یکدیگر بکوشیم (رضا بداده بده وز جبین گره بگشا که بر من و تو در اختیار نگشوده‌است) حسد بر اشخاص نیك بخت مرفه‌الحال اسباب‌تیره‌گی قلب و ناشکری‌است انسان نظر بالا دست از حیث زنده‌گی و ملبوس و نظافت و تمیزش سبب میشود که رفته رفته چشم از شرف و وجدان پوشیده میل بفسق و ناپرهیزی نمائیم دیده و فهمیده شده‌است که عیش و خوش گذرانیهای مو روزه این ایام بی انجام یا دارای نتایج ناپسند و پشیمانی نامحدود شده است از بخت نالیدن و از روزگار شکایت کردن علاوه بر تضییع وقت و سیاهی دل آهن سرد کوبیدن و مفت بر سندان زدن‌است که جز فرسودن‌دست نتیجه‌ندارد

«صداقت»

همه ما فیلسوف دهر نمیشویم اما همه ما می توانیم با صداقت و سخاوت قلب و مهربانی از روی کمال با یکدیگر رفتار نمائیم و اگر بخواهیم درنظر

از جنابعالی می پرسم ایا قبیح نیست از مرد پنجاه ساله که هنوز زن اختیار نموده حالابان خیال بیفتد ؟ بعلاوه بجنابعالی عرض کنم که هیچیك از اهل‌طایفه وقبیله ما راضی باین‌عمل نیستند این است که بنده آمده‌ام بجنابعالی عرض کنم که از این خیال منصرف باشید .

رئیس دستهای خود را باکمال تأسف بهم مالید . گفت : خانم معذرت میخواهم زیرا که ما نمیتوانیم راز و سر مغزی های خودرا بدیگری بگوئیم .

خانم یك نگاه محبت آمیزی برئیس کرده گفت : سرکار رئیس درست میفرمائید لکن هرکس در دنیا

مردم محترم و معزز باشیم باید قسمی بمهربانی و انسانیت و بمعرفت حرکت کنیم که مورد توجه و عزت دیگران باشیم نه انکه ازروی جهالت وخود پسندی تشخص و تفرعن فروشیم

و باعث تکدر مردم و اظهار وذالت خود شویم تکبر عنازیل را خوار کرد بزندان محنت گرفتار کرد

رسم زن داری

چون در این جریده شرح مبسوطی درخصوص شوهر داری گفته شد محض اینکه خانمهای محترمات تعرض نمایند که ما گفتیم خاطرزنان همیشه متعلق و متوجه مردان‌است و ما نباید دائماً طرف مرد را داشته باشیم لازم شد که قدری از تکلیف مرد ها در مرحله زن داری بنویسیم

لهذا گاهی از اوقات که مرد بخانه می آید زن بنای صحبت را گذاشته تعریف از بعضی اشخاص و ترتیبات مردم یا از وضع زنده‌گی انها و یا چیز تازه که دید از برای شوهر خود نقل مینماید وشوهر از انجائیکه مرد است و همیشه در بیرون و گردش بوده و از همه چیز چشم و گوش او براست و با زن اوقات تلخی نموده و خوش ندارد که گوش بصحبت او بدهد دیگر ملاحظه نمیکند که زن دو خانه بوده و چیزی را تا بحال ندیده وقتی که گاهی بیرون میرود هرچه که دید بنظرش چیز تازه

هرکاری میکند برای فایده و منفعت میکند در اینصورت میل دارید که‌یك منفعتی در این‌راه بجنابعالی برسانم — رئیس بفکرفرو رفته بخاطرش رسید که مستراسقون جاوس سفارش کرده‌بود که‌زنی‌که برای‌من پیدامیکنید دولت‌مندنباشد بعد روکرد بعجوزه گفت که : وارثش منحصر بشما است — عجوزه یکدفعه مثل آنکه آب سردی برسرش بریزند بی‌تحاشی گفت بلی همین من و پسرم که اسمش جان ویلیم است وارث حقیقی او هستیم و این پسر بدبخت من بهمین امید واری از بی هیچکار نرفته و بهمین انتظار مانده و حال هرگاه این پسر عموی من‌خدای‌نکرده خدای

آمده برای شوهر حکایت میکنند اما وقتی که مرد این ملاحظات را بکند می تواند که با زن از روی تفقد و دل جوئی رفتار نماید خوباست مردها از چیزهائیکه در بیرون دیده و شنیده‌اند ازاخبارات و مطالب عمده و هرنوع اوضاعیکه هست زن را هم اطلاع داده و از همه چیز اورا آگاه و مستحضر سازد تا ان زن و شوهر با هم انس و همراز و مقابل بهتر از مقام همسری داشته باشند اگر با زنهای خود محبت دارید کوشش کنید که محبت خود را باو معلوم نمائید

که باعث اطمینان قلب و ازدیاد محبت او شود زیرا که هیچ چیز بهتراز محبت و صداقت نیست در همه اعیاد خاصه عید نوروز انچه بلغوه و مقدور است هدیهٔ از لوازمات زنانه برسم عیدانه تقدیم نمائید تا همسران شما دلخوش و امیدوار باشند و بدانند که شما در خیال خشنودی انها هستید صحیحاست که مرد مالك رقاب و صاحب اختیار خانه‌است ولی نباید که زن خانه و ازاندازه خود تجاوز کند یعنی درصورتیکه زن کاردان دانشمند است و نباید درکارهای او و خیالاتاو مداخله نمایند مگدر نشوید گاهی که زن باشما هم رای و هم سلیقه نباشد اشکالاتی روی خواهد داد

چونکه اگر هردو هم رأی و هم سلیقه نباشید خوب و بد را بهتر تمیز میدهید و اثر مشورت منافع و فواید کلی میبرید

وقتی که یك مطلبی را که راجع بامور زندگانی است نظر بملاحظهٔ شما پسندیدید ولی بچند جهة مصلحت دیگر که ممکن‌است شما ملتفت نشده باشید و خانم ملتفت شده باشد چه ضرر دارد که ان مطلب را مطرح مذاکره و شور کرده معایب و مصالح ان را بدقت سنجیده و ازروی تحقیق بان اقدام کنید و تا می توانید سخن را ازاغاز تا انجام بملاطفت ادا کنید مرد همینکه بخانه میرود اگر زن را خوشحال و کشاده رو نبیند ایراد نگیرد و اظهار دلتنگی نماید زیرا که مکرر برای خودمان اتفاق می افتد که در بیرون در سر شغل و عمل گاهی یك اوقات تلخی پیدا میکند که دروقت ورود بخانه دل تنك و پریشان هستیم زن هم ممکن‌است درخانه یا بواسطه مشقت خانه داری یا زحمت بچه داری و غیره خسته و دل تنك باشد

اعلان

دکان تحتانی اداره دانش همه نوع لباسهای زنانه ومردانه بمد تازه و ازروی کتاب سفارش بکمال خوبی برش واجرت مناسب دوخته میشود چون این دکان تازه خیاطی شده است اعلان نمودیم برادران عزیزاقه وابراهیم

مطبعهٔ «فاروس» طهران

نکرده یك چنین کاری بکند و نسلی ازاو پیدا شود حقوق ما بیچاره ها از میان خواهد رفت - رئیس گفت بلی خانم صحیحاست لیکن دروقتی که شما دولتی ندارید جسور از عهدهٔ شیرینی و تعارف‌من بر می ائید که من دوز و مهره را بمیل شما بچینم و اورا از این صراحت بیندازم - عجوزه گفت‌پسرم از بدرش بقدر دویست تومان ارث برده و راضی است تمام ازا بدهد که پسر عمویم چنین کاری نکند و منهم که مادر او هستم راضی نمیشوم که پسرم از این ارث بی بهره شود جنابعالی بیدالتفات فرموده همراهی کنید که اورا از این راه برگردانید رئیس گفت : بلی خانم فرمایشات شما همه صحیح لکن من چطور میتوانم این مرد را از این خیال منصرف نمایم در صورتیکه اورا بچند نفرخانم معرفی نموده‌ام و میترسم ناکهان یکی را ازآن میان انتخاب نموده با او مزاوجت نماید مگر در یك صورت و آن این است که زنها خیلی مکرها دارند شما از آن مکرها بکار ببرید ضمنا اگر از من هم همراهی لازم شود من قول بشما میدهم که در همراهی حاضر باشم - عجوزه مضطرب شده گفت آه عجب گیری افتاده ام از دست این پسر عموی نادان‌خودم بعد رو برئیس کرده گفت بسیار خوب من میروم در این باب یك فکری نموده بشما عرض میکنم هرگاه صلاح دیدید اقدام نمائیم

(باقی دارد)